

اثر بخشی آموزش فلسفه به کودکان در رشد تفکر فلسفی دانش آموزان پایه ششم

مرضیه خادم صادق 1، شاپور فریدونی 2

1 کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد واحد شیراز، ایران

Marzieh.khademsadegh@gmail.com

2 استادیار، دانشگاه آزاد واحد یاسوج، ایران

ShapoorFereydooni@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر، اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان در رشد تفکر فلسفی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی ناحیه یک شیراز بود. نمونه این پژوهش شامل 60 دانش آموز دختر پایه ششم ابتدایی شهر شیراز بود که به روش نمونه گیری خوشه ای تصادفی چند مرحله ای از میان دانش آموزان پایه ششم ابتدایی انتخاب شدند. روش تحقیق شبه آزمایشی با گروه کنترل و آزمایش و طرح پیش آزمون، پس آزمون بود. ابزار جمع آوری داده ها شامل، پرسشنامه تفکر فلسفی فلیپ کم بود که از 18 سوال تشکیل شده بود. پایایی پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ 0.73، و روایی آن نیز از منظر متخصصین به تایید رسید. نتایج حاصل از این پژوهش با استفاده از تحلیل کواریانس چند متغیره و تک متغیره نشان داد که آموزش فلسفه به کودکان بر تفکر فلسفی و مولفه های آن در دانش آموزان پایه ششم تاثیر معنادار داشت.

کلید واژه ها: فلسفه به کودکان، تفکر فلسفی، دانش آموزان پایه ششم

Effect of Teaching Philosophy for Children of Philosophical Thinking to Students of Sixth Grade

Marzie Khademsadegh¹; Shapoor Fereydooni²

¹ Department of Educational Management, Islamic Azad University Shiraz, Shiraz, Iran

² Assistant Professor of Education Philosophy for Children Islamic Azad University Yasooj, Shiraz, Iran

Abstract

The purpose of this study was taking into account the effect of teaching philosophy for children of philosophical thinking to students of sixth grade of elementary school in district 1 of Shiraz and presenting an appropriate lesson plan to prepare them for teaching philosophical thinking. The sample consisted of 60 girls studying in the sixth grade of elementary school in district 1 of Shiraz and they were selected through multistage random cluster sampling. Quasi-experimental design was assigned along with control group, experimental group, and pre test - post test design. Philip Cam philosophical thinking questionnaire consisting of 18 items was administered to collect data. The reliability of the questionnaire determined by Cronbach alpha was 0.73 and experts confirmed its validity. According to the research results and by means of univariate and multivariate analysis of variance teaching philosophical children stories had a meaningful effect on students' philosophical thinking in the sixth grade of elementary school.

Key words: teaching philosophy for children, philosophical thinking, students of sixth grade

مقدمه :

دنیایی که در آن زیست می کنیم و آینده ای که به سمت آن حرکت می کنیم جهانی است، از جنس تغییر و تحول ، اکنون در عصری گام نهاده ایم که به سرعت در حال تغییر است. بنابراین به نظر می رسد آن چه بتواند عامل قدرت و اثرگذاری ما برای ناپایداری باشد، مهارت ها و قابلیت های فکری است. یکی از ویژگی های اساسی انسان آگاهی از رفتار خود و برخورداری از نیروی تفکر است. تفکر این امکان را به فرد می دهد که حقیقت را در میان به هم ریختگی حوادث و اطلاعاتی جست و جو کند که همه روزه وی را احاطه می کند. دنیای مدرن امروز نیاز به تفکر دارد چون به افرادی که در جامعه مدرن زندگی می کنند، آرا و نظرهای جدید و متفاوتی پیشنهاد می شود و این فرد باید از میان آن ها یکی را انتخاب کند.

بنابراین اگر بخواهیم کودکان را برای چالش های آینده آماده کنیم، باید مهارت های ویژه ای را به آن ها بیاموزیم که بر اساس آن بتوانند بر زندگی و یادگیری خود مسلط شوند، زیرا برای یادگیری نباید پایانی در نظر گرفت. آن ها به دانش نیازمندند، اما مهمتر از آن، به قابلیت کسب دانش جدید نیازمندند. آنان به دانشی نیاز دارند که خود به دست آورده باشند، « دانشی که خود تولید یا باز تولید کرده باشند » (فیشر^۱، ترجمه: صفایی مقدم و نجاریان، 1391: 52).

از این رو در سال های اخیر، علاقه به تقویت مهارت های تفکر و بالابرن سطح یادگیری و باسوادی در نظام آموزش و پرورش جهان به طور فزاینده ای رواج یافته است و به دنبال آن از دهه 1970 نهضت های تربیتی متعددی، از جمله آموزش تفکر خلاق، آموزش تفکر انتقادی، برنامه درسی فکورانه، آموزش مهارت های حل مسئله، و برنامه فلسفه برای کودکان گسترش یافتند (کستا^۲، 2006: 63). ریچارد^۳ (2007) ضمن بیان شاخص های تفکر از جمله پشتکار، مدیریت، انعطاف پذیری، تخیل، ابداع، جمع آوری اطلاعات از طریق حواس و گوش دادن فعال، معتقد است متفکران خوب کسانی هستند که نه تنها در روش های

¹Fisher

²Costa

³Richards

تفکر خود ماهرند، بلکه می دانند مسائل را چگونه حل کنند به عبارتی این افراد عادات فکری خوبی دارند. در همین راستا تلاش هایی نیز انجام گرفته است که مهمترین آن ها برنامه ای با عنوان " فلسفه برای کودکان " است که توسط ماتیولیمپن^۱ و همکارانش در اواخر دهه 1960 بر اساس رهنمودهای دیویی و ویگوتسکی، در دانشگاه موتبلکر (ایالت متحده) تهیه شده است. این طرح به منظور فراهم کردن برنامه تحصیلی در زمینه کاوش فلسفی برای کودکان از سطح کودکان تا دانشگاه و اصلاح وضعیت آموزش تفکر در آموزش و پرورش تهیه شده است و هم اکنون در بسیاری از کشورهای دنیا در حال اجرا است (فیشر، ترجمه کیان زاده، 1388: 47).

در نظام تعلیم و تربیت ایران هرچند که در ظاهر به پرورش تفکر اهمیت داده می شود و از اهداف آموزشی به حساب می آید ولی در عمل وضعیت به گونه ای دیگر است. مدرسه ها، امروزه در ایران با انتقال فراوان مفاهیم تکراری بی معنا، فرصت اندیشیدن را از شاگردان گرفته اند. در حقیقت نظام آموزشی ایران فقط به کتابهای درسی و حفظ کردن آنها توسط دانش آموزان اهمیت می دهد. این در حالی است که تنها انتقال اطلاعات برای اندیشیدن کافی نیست اندیشیدن نیز هدف نیست بلکه وسیله ای برای شناخت حقیقی است. زمانی که دانش آموزان در مدرسه فکر کردن را نیاموزند، در دنیای بزرگسالی در برخورد با مشکلات، روشهای حل مسئله را نمی دانند و به راههای غیر صحیح گرفتاری می شوند. بنابراین علت اصلی شکست و ناکامی بیشتر معلمان در برابر نوآوری های آموزشی به ویژه پرورش تفکر، باورهای غلط و از پیش ساخته آنان است. مثلاً معلمان به جای اینکه روش آموختن و اندیشیدن را به شاگردان بیاموزند، آنان را در مقابل دانسته ها و واقعیت های علمی قرار می دهند. به عقیده جروم برونر "مهم نیست که شاگردان چه می آموزند بلکه مهم این است که چگونه می آموزند" (قاعدشرف، 1392: 6). در این راستا در اواخر دهه 1960 در امریکا، ماتیو لیپمن برنامه ای را تحت عنوان "برنامه فلسفه برای کودکان" اعلام کرد که بر اساس آن کودکان از سنین دبستانی می توانند به تناسب سنشان، در مواجهه با سوالات مختلف به طور مستقل، دلایلی را برای پاسخ به پرسش ها ارائه دهند. این برنامه به منظور بهبود توانایی استدلال، قضاوت، و اندیشیدن در دانش آموزان طراحی شد، تا آن ها از سال های آغازین زندگی با مفاهیم و ایده های فلسفی آشنا شده و کاربرد آنها را در زندگی بیاموزند (مرعشی، 1388: 25).

از این رو لیپمن در طراحی برنامه آموزش فلسفه به کودکان هدفهای متعددی را دنبال می کند که هدف عمده آن است که به کودکان کمک کند بیاموزند که چگونه فکر کنند ولی برخی دیگر از این اهداف شامل؛ بهبود توانایی تعقل، پرورش خلاقیت، رشد فردی، میان فردی، پرورش درک اخلاقی و... است (قائدی، 1384). همچنین وی به این نتیجه رسید که بهترین روش برای آموزش تفکر به کودکان استفاده از داستان است و به همین خاطر در فلسفه برای کودکان، داستان جایگاه خاصی دارد. همچنین اجرای برنامه فلسفه برای کودکان باعث بهبود و رشد تفکر انتقادی، خلاق و منسجم و ریزبینانه می شود. در نهایت طبق تحقیقات مختلف بر آید شرکت در این برنامه و پرورش مهارت های فوق، بهبود ویژگی هایی همچون: مهارت تفکر سطح بالاتر، تفکر مستقل، انگیزه و هیجان افزایش درک مطالب، موفقیت بیشتر در علوم و ریاضی، افزایش مهارت های همکاری، بهبود ارتباط با همکلاسی و والدین، رشد شخصی و اعتماد به نفس می باشد (به نقل از عبدالله پور، 1393: 45).

در سال های اخیر پرورش مهارت های تفکر در کودکان جایگاه و اهمیت ویژه ای کسب کرده است. در این راستا نظریه پردازان و پژوهشگران به شناخت و تبیین تفکر و مهارت های اساسی آن پرداخته اند. از میان مهارت های اساسی تفکر، تفکر فلسفی به دلیل جایگاه ویژه ای که در پرورش درست اندیشیدن و حل مسأله دارد، اهمیت به سزایی یافته است (خسرو نژاد، 1384: 86).

هریک از نظریه هایی که در این دیدگاه و دیگر موضوعات مورد بررسی واقع شدند، بخشی از واقعیات را در بر می گیرند و هرکدام به یک یا چند عامل از عواملی که موضوع پژوهش را متاثر می سازد، پرداخته اند. هیچ کدام از نظریات به تنهایی قادر به

⁴Lipman

تبیین و تحلیل تاثیر داستان های فلسفی بر تفکر فلسفی در کودکان نبوده و هرکدام گوشه ای از مسئله را بیان نموده است. اما نقطه آغاز تفکر فلسفی را می توان بیش از همه در اندیشه های سقراط و شاگردانش یافت. و افرادی مانند متیولپمن ، فیلیپ کم ، رابرت فیشر و ... به ضرورت اجرای برنامه فلسفه پرداختند و هرکدام تلاش های گسترده ای در راستای توجه به رشد تفکر در کودکان انجام دادند و برنامه فلسفه برای کودکان را به منظور بهبود توانایی استدلال ، قضاوت و اندیشیدن در دانش آموزان طراحی کردند. بطور که در مطالعه عبدالله پور بنه خلخالی(1393) بیانگر این بود که آموزش فلسفه موجب تقویت مهارتهای پرسشگری، تفکر انتقادی، همکاری گروهی، فرضیه سازی، مهارت گفتاری، دقت و تمرکز... شده و تأثیر مثبت داشته است. زارع (1390) در پژوهشی با عنوان « مقایسه تاثیر داستان های فلسفی ایرانی، غیر ایرانی و عادی بر رشد تفکر فلسفی کودکان پایه اول ابتدایی شهر شیراز » انجام داده است نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که قصه گویی باعث افزایش تفکر فلسفی در کودکان می شود. در همین راستا پژوهش ناجی و قاضی نژاد (1386) حاکی از آن است که در جریان اجرای برنامه فلسفه برای کودکان مهارت های فکری دانش آموزان نظیر استدلال، ساختن استنتاج، پرسشگری و... بهبود یافته است. در واقع دانش آموزان در جریان برنامه درسی فلسفه برای کودکان این توانایی را می یابند که استدلال های سطحی را کنار گذاشته، با تفکر و اندیشه عمیق زیر ساخت ها و مبانی نظری صحیح را برای بررسی و تحلیل آنچه با آن مواجه می شود به کار گیرند. پژوهشی که توسط اسکندری و کیانی (1386) انجام شده نشان داد که مهارت فلسفه ورزی و پرسشگری در دانش آموزان مورد مطالعه، نسبت به جامعه آماری مربوط به آن افزایش یافته است. مرعشی (1385) برنامه درسی فلسفه برای کودکان را به منظور بررسی تاثیر روش اجتماع پژوهشی در برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر مهارت های استدلالی دانش آموزان پایه سوم راهنمایی اجرا نمود. این تحقیق نیز تاثیر اجتماع پژوهشی را در بالا رفتن سطح استدلال دانش آموزان گروه آزمایش تایید می کند. رزنیس کایا¹ (2008) نیز در مطالعه خود به تاثیر مباحث فلسفی به روش اجتماع پژوهشی، بر پرورش مهارت های استدلالی و نگرش های اخلاقی اشاره می کند. وی به این نتیجه دست یافت که کنش های مکالمه ای و مباحث فلسفی بر روی گروه شرکت کننده در کلاس کاوش گری فلسفی، تاثیر بسزایی در افزایش مهارت های استدلالی و قضاوت های اخلاقی آن ها داشته است. به طوری که گروه مذکور در عملکردهای اجتماعی و یادگیری های فردی نیز، پیشرفت قابل ملاحظه ای از خود نشان دادند. هایمر² (2002) با مطالعه بر روی دانش آموزان سر آمد، اثرات مثبت برنامه آموزش فلسفه به کودکان را در تفکر انتقادی، استدلال مفهومی و پژوهش فلسفی با دانش آموزان نشان داد. جودیکین (1999) با بررسی بر روی دانش آموزان پایه چهارم ادعای لیپمن را مبنی بر بالا رفتن مهارتهای تفکر از طریق فلسفه برای کودکان تایید می کنند(به نقل از زارع، 1390). و تحقیقات بسیار دیگری نشان داده شده است. بنابراین اجرای این برنامه تاثیرات مثبت و سازنده ای در رشد و بالندگی کودکان دارد.

از جمله ابزارهایی که می تواند یاری گر آن ها در این زمینه باشد، ادبیات داستانی، اعم از داستان، افسانه و قصه است. داستان ها در هر شکلی برای کودکان جذاب و لذت بخش هستند، کودکان به آسانی در داستان درگیر می شوند و می توانند در خلال آن چیزهای زیادی بیاموزند. لیکن با توجه به اهمیتی که داستان در پرورش تفکر، به ویژه تفکر فلسفی در دانش آموزان دارد و کم رنگ بودن آموزش ها برای تفکر فلسفی از طرف معلمان و چگونگی اجرای آن در برنامه های درسی، محقق بر آن شد که به دنبال تاثیر آموزش فلسفه به کودکان در رشد تفکر فلسفی باشد.

سوالات تحقیق

- 1- آیا آموزش فلسفه به کودکان بر روی تفکر فلسفی کودکان تاثیر دارد؟
- 2- آیا آموزش فلسفه به کودکان بر روی مهارت های کاوشگری ، مفهومی و الگوی تعاملی تاثیر دارد ؟

¹.Reznitskaya

².Hymer

روش تحقیق :

روش تحقیق از نوع شبه آزمایشی با گروه کنترل و آزمایش و طرح پیش آزمون - پس آزمون می باشد. جامعه آماری متشکل از کلیه دانش آموزان مشغول به تحصیل پایه ششم در سال تحصیلی 92-93 شهر شیراز بود. در این تحقیق از روش نمونه گیری خوشه ای تصادفی چند مرحله ای استفاده شده است. به این ترتیب که از بین 4 ناحیه شیراز، ناحیه 1 انتخاب شده و از بین تمام مدارس راهنمایی ناحیه یک شیراز، یک مدرسه دخترانه که دارای دو کلاس 30 نفره در نظر گرفته شد. به طوری که جمعا 60 آزمودنی، 30 دانش آموز در گروه کنترل و 30 دانش آموز در گروه آزمایش قرار گرفتند. در نهایت بعد از گرفتن معرفی نامه از دانشگاه و مراجعه به مدرسه راهنمایی و هماهنگی لازم با مدیر مدرسه به مدت 10 هفته، هر هفته سه جلسه در روزهای زوج هر جلسه 60 دقیقه کلاس آموزش تفکر فلسفی از طریق داستان های فلسفی فیلیپ کم و داستان های فکری ران شاو برگزار شود. از این رو در ابتدا پیش آزمون از هر دو گروه کنترل و آزمایش گرفته شد و بعد شروع به انجام داستان خوانی براساس داستان های فکری فیلیپ کم برای گروه آزمایش شد و در پایان دوره از هر دو گروه کنترل و آزمایش پس آزمون گرفته شد. و اطلاعات جمع آوری شده برای تجزیه و تحلیل آماده شد.

ابزار گرد آوری داده ها :

ابزار پژوهش شامل آزمونی است که فیلیپ کم (1995) در پایان کتاب کندوکاو فلسفی ارائه داده است، این آزمون شامل سه مهارت، کاوشگری، دریافت مفهوم و استدلال و الگوهای تعاملی می باشد که برای هر کدام از این مهارت ها شش سوال، جمعا 18 سوال طرح شده است.

البرزی (1389) برای تعیین روایی این مقیاس علاوه بر همسانی درونی از روش تحلیل عاملی استفاده نموده و برای تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده کرده است و نتایج را مطلوب گزارش نموده است. در ابتدا این پرسشنامه دارای 18 گویه و 3 عامل بود (مهارت های کاوشگری، مهارت های دریافت مفهوم و استدلال، مهارت های تعاملی) که بعد از نتیجه گیری توسط البرزی به دو عامل (مهارت های کاوشگری، مفهومی، استدلالی و مهارت های تعاملی) تغییر یافت. لازم به ذکر است که در پژوهش البرزی (1389) سوال 6 این پرسشنامه خنثی اعلام شد. آلفای کرونباخ کل سوالات را 97 / و عامل اول 96 / و عامل دوم را 93 / اعلام کردند. پایایی آزمون از طریق روش گاتمن 81 / بدست آمد و ضریب همسانی درونی بین 63 / تا 89 / می باشد. همچنین روایی آزمون نیز از طریق روایی صوری و محتوایی احراز شد. از منظر صاحب نظران آزمون مذکور قابلیت اندازه گیری تفکر فلسفی را دارا می باشد. در پژوهش حاضر میزان پایایی این آزمون از طریق آلفای کرونباخ برای مهارت های کاوشگری و مفهومی، تعاملی به ترتیب 76 /، 71 /، 75 / و برای نمره کل تفکر فلسفی 73 / بدست آمد.

از دیگر ابزارهایی که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است کتاب داستان های فکری فیلیپ کم جلد 1، 2، 3 (تالیف : فیلیپ کم، ترجمه : فرزانه شهرتاش ؛ مژگان رشتچی ؛ خسرو باقری) و کتاب داستان کلاس آموزش فلسفه (تالیف : ران شاو، ترجمه : احسان کاظمی - پیروش میرزایی تشنیزی - داریوش هفت برادران) بود.

روش اجرای تحقیق:

به منظور انجام پژوهش حاضر و اجرای پرسشنامه ها پس از انجام تشریفات کار و اخذ معرفی نامه از دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز به سازمان آموزش و پرورش شیراز مراجعه شد و با کسب مجوز از مسئولان مربوطه در آن اداره به مدارس مورد نظر در نمونه آماری رفته و 60 نفر از دانش آموزان پایه ششم، 30 نفر گروه کنترل، 30 نفر گروه آزمایش انتخاب و پس از توجیه کردن معلمین و دانش آموزان و دادن توضیحات لازم و هدف از انجام تحقیق، پرسشنامه تفکر فلسفی را در اختیار معلمان نمونه آماری قرار داده تا آنها را تکمیل کنند و مجدداً به محقق بازگردانند. پس از اجرای داستان‌های فلسفی برای دانش آموزان گروه آزمایش (30 نفر)، مجدداً پرسشنامه ها در اختیار معلمان گذاشته شد تا مجدداً آن را تکمیل نمایند. پژوهشگر در ابتدای امر از تمام آزمودنیها پیش آزمون به عمل آورد و پس از طی 10 هفته، هر هفته 3 جلسه، هر جلسه 45 تا 60 دقیقه، آموزش داستانهای فلسفی فلیپ کم جلد 1، 2، 3 و داستان فکری ران شاو به گروه آزمایش، مجدداً از تمام دانش آموزان پس آزمون به عمل آورد.

قبل از اجرای جلسات داستان خوانی رابطه گرم و صمیمی با دانش‌آموزان برقرار گردید و در مورد جلسات داستان خوانی آموزش‌هایی به دانش آموزان داده شدو فعالیت‌های حاشیه‌ای بعد از اتمام قصه‌گویی، برای علاقه مند کردن وتوجه بیشتر دانش آموزان صورت گرفت از قبیل نقاشی شخصیت‌های داستان، تعریف داستان از زبان دانش آموز، و بستن چشم‌ها و تصور در مورد شخصیت‌های داستان و... استفاده کردیم و سعی شد داستان خوانی در محیطی گرم و دوستانه اجرا شود و شیوه قصه‌گویی در این کلاس‌ها بشکل تقلید صدا نبوده، بلکه بصورت داستان خوانی بوده است.

در مورد شیوه تدریس داستان‌های فلسفی در کلاس باید گفت پیش از شروع داستان چینی کلاس به صورت نعل شکل تغییر کرد تا دانش آموزان در گفت و گو با یکدیگر تشویق شوند سپس شروع به خواندن داستان‌های فلسفی کردیم به دلیل اینکه توانایی خواندن دانش آموزان خوب بود، خواندن در کلاس به صورت دوره ای انجام گرفت و هر دانش آموز به نوبت یک بند را خواند این امر باعث شد دانش آموزان نسبت به گفت و گوی میان شخصیت‌های داستان احساس بهتری کنند. پس از آن که از همه برای خواندنشان تشکر شد، بلافاصله از آن‌ها خواسته شد سؤالات خود را در باره ی هر قسمتی از داستان که برایشان مبهم یا به نحوی جالب بوده است بپرسند سپس از دانش آموزان خواسته شد در مورد سؤالات بحث کنند و به نتیجه مورد نظر برسند در این کلاس معلم تنها نقش هدایت کننده را داشت.

جدول 1: زمان بندی ومحتوای جلسات قصه‌گویی

جلسات	زمان	قصه‌گویی
اول	45 دقیقه	آشنایی با دانش آموزان، ایجاد صمیمیت و رابطه دوستانه و اجرای پیش آزمون
دوم	60 دقیقه	سوال سارا (تفکر فلسفی، کتاب داستان فلیپ کم 2)
سوم	60 دقیقه	چی به چی مربوطه (تفکر فلسفی، کتاب داستان فلیپ کم 2)
چهارم	60 دقیقه	مردی که نمی توانست چهره اش را کنترل کند (تفکر فلسفی، کتاب داستان فلیپ کم 2)
پنجم	60 دقیقه	ستاره دریایی (تفکر فلسفی، کتاب داستان فلیپ کم 2)
ششم	60 دقیقه	دعوا (تفکر فلسفی، کتاب داستان فلیپ کم 3)
هفتم	60 دقیقه	بالدار (تفکر فلسفی، کتاب داستان فلیپ کم 3)
هشتم	60 دقیقه	ادامه جلسه هفتم
نهم	60 دقیقه	خیابان بیزی (تفکر فلسفی، کتاب داستان فلیپ کم 3)
دهم	60 دقیقه	ادامه جلسه نهم

همایش بین المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی

یازدهم	60دقیقه	شب خانه کسی خوابیدن (تفکر فلسفی، کتاب داستان فلیپ کم 3)
دوازدهم	60دقیقه	ادامه جلسه یازدهم
سیزدهم	60دقیقه	داستان رابرت (تفکر فلسفی، کتاب داستان فلیپ کم 3)
چهاردهم	60دقیقه	ادامه جلسه سیزدهم
پانزدهم	60دقیقه	شادمانی (تفکر خلاق، کتاب داستان ران شاو)
شانزدهم	60دقیقه	مهربانی (تفکر خلاق، کتاب داستان ران شاو)
هفدهم	60دقیقه	ادامه جلسه شانزدهم
هجدهم	60دقیقه	کسانی که با چشم ها، گوشها، بینی ها و دهان شان خداحافظی کردند(تفکر خلاق، کتاب داستان فلیپ کم 2)
نوزدهم	60دقیقه	ادامه جلسه هجدهم
بیست	60دقیقه	مال هر کس، مال هیچکس و خانم سادی (تفکر خلاق، کتاب داستان فلیپ کم 2)
بیست و یک	60دقیقه	برروی ایوان (تفکر خلاق، کتاب داستان فلیپ کم 2)
بیست و دو	60دقیقه	قضاوت (تفکر انتقادی، کتاب داستان ران شاو)
بیست و سه	60دقیقه	قدرت (تفکر انتقادی، کتاب داستان ران شاو)
بیست و چهار	60دقیقه	لانه پرنده (تفکر انتقادی، کتاب داستان فلیپ کم 1)
بیست و پنج	60دقیقه	ادامه جلسه بیست و چهارم
بیست و شش	60دقیقه	چاقو (تفکر انتقادی، کتاب داستان فلیپ کم 1)
بیست و هفت	60دقیقه	لیندا و کلارا (تفکر انتقادی، کتاب داستان فلیپ کم 1)
بیست و هشتم	60دقیقه	ادامه جلسه بیست و هفتم، اجرای پس آزمون و قدرانی از دانش آموزان بابت همکاری در پژوهش

در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده های گردآوری شده ابتدا از روش های آماری توصیفی مانند : جدول توزیع فراوانی طبقه بندی شده، میانگین، واریانس و انحراف استاندارد استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل استنباطی داده ها و به منظور آزمون فرضیه تحقیق از تحلیل کواریانس چند متغیره و تک متغیره استفاده شد. و با توجه به اینکه کار پژوهش از نوع اثربخشی بوده ، و پژوهشگر در صدد تعیین میزان تاثیر آموزش بوده است و از این رو اثر متغیرهای ناخواسته نیز باید حذف شود و با کواریت کردن پیش آزمون این هدف تحقق می یابید و اثر این عوامل کنترل می شود. بر این اساس از آزمون تحلیل کواریانس استفاده شد. نتایج با نرم افزار SPSS نسخه 18 محاسبه گردید.

یافته ها

اطلاعات جمعیت شناختی نمونه

جدول 2: فراوانی و درصد ترتیب تولد آزمودنیها

توالی تربیت		کنترل		آزمایش	
فراوانی		درصد		فراوانی	
		درصد		درصد	

همایش بین المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی

اولین	9	30	11	36/7
دومین	14	46/7	14	46/7
سومین	6	20	3	10
چهارمین	1	3/3	2	6/7
کل	30	100	30	100

جدول 3: فراوانی و درصد میزان تحصیلات پدر آزمودنیها

تحصیلات پدر	کنترل		آزمایش	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
دیپلم و فوق دیپلم	10	33/3	13	43/3
لیسانس	12	40	13	43/3
فوق لیسانس و بالاتر	8	26/7	4	13/3
کل	30	100	30	100

جدول 4: فراوانی و درصد میزان تحصیلات مادر آزمودنیها

تحصیلات مادر	کنترل		آزمایش	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
دیپلم و فوق دیپلم	11	36/7	12	40
لیسانس	12	40	12	40
فوق لیسانس و بالاتر	7	23/3	6	20
کل	30	100	30	100

جدول 5: فراوانی و درصد وضعیت شغلی پدر آزمودنیها

شغل پدر	کنترل		آزمایش	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کارمند	17	56/7	21	70
آزاد	13	43/3	9	30
کل	30	100	30	100

جدول 6: میانگین و انحراف استاندارد دو گروه متغیر تفکر فلسفی در پیش آزمون و پس آزمون

مرحله	آزمایش		کنترل	
	پیش آزمون	پس آزمون	پیش آزمون	پس آزمون
گروه				

35/03	31/53	45/47	32/57	میانگین
5/57	5/79	7/55	5/16	انحراف استاندارد

جدول 7: آزمون تحلیل کواریانس برای بررسی تاثیر داستان های فلسفی بر تفکر فلسفی کودکان

منابع تغییر	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	مجزور اتا
پیش آزمون	1490/26	1	1490/26	79/67	0/001	0/58
گروه	1335/33	1	1335/33	71/39	0/001	0/56
خطا	1066/17	57	18/70			
کل	101393	60				

براساس جدول 7 نتایج پس آزمون تفکر فلسفی با توجه به نوع گروه ($F=71/39, df=1, P \leq 0/001$) معنی دار بوده است. به این ترتیب که گروه آزمایش از گروه کنترل افزایش بیشتر تفکر فلسفی داشتند. میزان تاثیر مداخله متغیر مستقل (داستان های فلسفی) 0/56 بوده است، یعنی 56 درصد واریانس نمرات پس آزمون متغیر تفکر فلسفی کودکان به تاثیر داستان های فلسفی بوده است. بدین معنا که داستان های فلسفی موجب افزایش تفکر فلسفی کودکان شده است.

به منظور بررسی تاثیر داستان های فلسفی بر مولفه های تفکر فلسفی از تحلیل کواریانس چندمتغیره (مانکووا) استفاده شد. نتایج آزمون باکس از لحاظ آماری معنادار نبود ($P > 0/05$ و $F = 1/82$) و این به معنای تائید پیش فرض همگنی ماتریس های کواریانس می باشد.

جدول 8: جدول اثرات تحلیل کواریانس چندمتغیره

اثر	آماره	مقدار	F	سطح معناداری	مجزور نسبی	توان آماری
گروه	اثر پیلایی	0/59	25/53	0/001	0/59	0/99
	لامبدای ویلکز	0/41	25/53	0/001	0/59	0/99
	اثر هاتلینگ	1/44	25/53	0/001	0/59	0/99
	بزرگترین ریشه روی	1/44	25/53	0/001	0/59	0/99

با توجه به مقدار F و سطح معناداری شاخص های مانکووا ملاحظه می شود که ترکیب خطی متغیرها با توجه به تعلق گروهی تفاوت معنادار دارند. اندازه اثر آزمون (مجذور اتا) 0/59 نشان می دهد که داستان های فلسفی تاثیر زیادی بر روی مولفه های تفکر فلسفی کودکان داشته است و آزمون از توان آماری (0/99) بسیار بالایی برخوردار است.

جدول 9: آزمون تحلیل کواریانس تک متغیره برای تعیین اثر داستان های فلسفی بر مولفه های تفکر فلسفی

منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجذورات اتا	توان آماری
گروه	23/136	1	23/136	34/01	0/001	0/38	0/99
پس آزمون مهارت کاوشگری							
پس آزمون مهارت مفهومی	04/124	1	04/124	21/39	0/001	0/28	0/99
پس آزمون الگوی تعاملی	28/199	1	28/199	37/79	0/001	0/41	0/99

بر اساس جدول 9 نتایج پس آزمون مولفه ی مهارت کاوشگری با توجه به نوع گروه ($P \leq 0/001, df=1, F = 34/01$) معنی دار بوده است. به این ترتیب که گروه آزمایش از گروه کنترل افزایش میانگین بیشتری در این مولفه داشتند. میزان تاثیر مداخله متغیر مستقل (داستان های فلسفی) 0/38 بوده است، یعنی 38 درصد واریانس نمرات پس آزمون مهارت کاوشگری به تاثیر داستان های فلسفی بوده است. نتایج پس آزمون مولفه ی مهارت مفهومی و استدلالی با توجه به نوع گروه ($P \leq 0/001, df=1, F = 21/39$) معنی دار بوده است. به این ترتیب که گروه آزمایش از گروه کنترل افزایش میانگین بیشتری در این مولفه داشتند. میزان تاثیر مداخله متغیر مستقل (داستان های فلسفی) 0/28 بوده است، یعنی 28 درصد واریانس نمرات پس آزمون مهارت مفهومی و استدلالی به تاثیر داستان های فلسفی بوده است. نتایج پس آزمون مولفه ی الگوی تعاملی با توجه به نوع گروه ($P \leq 0/001, df=1, F = 37/79$) معنی دار بوده است. به این ترتیب که گروه آزمایش از گروه کنترل افزایش میانگین بیشتری در این مولفه داشتند. میزان تاثیر مداخله متغیر مستقل (داستان های فلسفی) 0/41 بوده است، یعنی 41 درصد واریانس نمرات پس آزمون مهارت الگوی تعاملی به تاثیر داستان های فلسفی بوده است. بنابراین داستان های فلسفی بر روی تفکر فلسفی و مولفه های آن (مهارت کاوشگری، مهارت مفهومی و الگوی تعاملی) تاثیر مثبت و معنادار دارد. بدین معنی که این آموزش موجب بهبود و رشد تفکر فلسفی در دانش آموزان شده است.

بحث در یافته های تحقیق

براساس جدول 7 نتایج پس از آزمون تفکر فلسفی با توجه به نوع گروه معنی دار بوده است. به این ترتیب که گروه آزمایش از گروه گواه افزایش بیشتر تفکر فلسفی داشتند. بدین معنا که داستان های فلسفی موجب افزایش تفکر فلسفی کودکان شده است. براساس جدول 9 نتایج پس از آزمون مولفه های مهارت کاوشگری، مهارت مفهومی و استدلالی و الگوی تعاملی با توجه به نوع گروه معنی دار بوده است. به این ترتیب که گروه آزمایش از گروه کنترل افزایش میانگین بیشتری در این مولفه ها داشتند. این یافته با نتایج تحقیقات عبدالله پور بنه خلخال (1393)، زارع (1390)، ناجی و قاضی زاده (1386)، ناجی (1386)، اسکندری و کیانی (1386)، مرعشی (1385)، رزینتس کایا (2008)، هایمر (2002)، جودیکی (1999) مطابقت دارد.

برنامه فلسفه برای کودکان، با ایجاد فضایی چالش برانگیز برای موضوعات انتزاعی، کودکان را به تحقیق و پژوهش دعوت می کند، به گونه ای که آنها به معناهای سطحی و کلیشه ای بسنده نمی کنند و همواره به دنبال معانی ژرف و مستدل اند. فلسفه برای کودکان رویکرد مناسبی است برای تشویق به یادگیری معنی دارتر و تفکر عمیقتر. شراکت در حلقه کندوکاو فلسفی دانش آموزان را، به جای پذیرش ساده امور، به درک عمیق و می دارد. مباحثاتی که در حلقه کندوکاو صورت می گیرد منجر به واکنش نشان دادن کودکان به مفاهیم مرتبط با اخلاقیات و سیاست از قبیل احترام، آزادی، مذاکره، داوری، تساوی و عدالت می شود. در این برنامه علاوه بر طرح موضوعاتی در این زمینه، مشارکت فعال در حلقه های کندوکاو فلسفی، به گونه ای کاوشگرانه، به کودکان این فرصت را می دهد تا ایده های اخلاقی و انسانی خود را عملی کنند، یعنی عادات تفکر تأملی، احترام به هم سالان، همکاری با آنها، مصالحه جویی (آشتی)، خوداصلاحی، و داوری خوب را کسب کنند. لیپمن بر آن است که تفکر به شیوه فلسفی فرد را به ابزاری مجهز می کند که امکان تفکر مستقل و پرسشگری از خود و دیگران را فراهم می آورد و کسی که قادر به استقلال فکری است می تواند در عمیقترین احساسات، ارزشها، و حتی هویت فردی خود کاوش کند.

آموزش فلسفه به کودکان سبب می شود که آنها بدون ترس از اشتباه به طور مداوم در فراگیری راه های نوین پردازش اطلاعات تلاش کنند و از این طریق هوش منطقی و قدرت تفکر و تخیل خود را بهبود بخشند. بعلاوه آموزش فلسفه سبب می شود که کودکان برای ادعاهای خود دلیل ارائه کنند و فقط از یک زاویه به پدیده نیندیشند و همواره با بینش و تأمل به دنیای پیرامون بنگرند و بینش حاصل را به معرض نقد و قضاوت دیگران بگذارند (کندی¹، 2010 به نقل از یوسف زاده، 1390: 40). به عبارت دیگر هدف فلسفه برای کودکان آشنایی کودکان با استدلال درست، انسجام کلام و پرهیز از تناقض گویی و ایجاد ارتباط منطقی بین جملات و همچنین آشنا کردن با منطق غیرصوری است که به آنان توانایی ارزیابی تفکرات خود و دیگران را در ارتباط باکنشها و رویدادها می دهد (رشتچی، 1389: 24).

فیشر معتقد است که عنصر خیال در داستانها به کودکانه فرصت می دهد تا، از طریق تجربه تخیل، در مورد تجربه های واقعی فکر کنند (فیشر، 2003: 139) داستان، برای درک جهان و به دست گرفتن زمام آن، اشتیاق به وجود می آورد و این اشتیاق کودکانه در زمینه هایی برآورده می شود که از دنیای تجربیات کودکان جدا نباشد. داستانها موجب می شوند که کودکان، از طریق مشاهده و تفکر درباره دیگران، خود را نیز مشاهده کنند.

کودک به آرامی و گام به گام به جهان داستان وارد میشود، با نفوذ در آن با معناهای آشکار و نهانش در می آمیزد و از آنجا که هر اثر ادبی اصیل، زیرکانه و استادانه جایی را نیز به تخیل و اندیشه او واگذاشته است، با تکیه بر تخیل و اندیشه خویش در ساختن این

¹. Kennedy

معنا نیز شرکت می‌جوید. با گسترش فرایند خواندن، و با هر حرکت از داستانی به داستان دیگر، میزان آشنایی با جهان داستان جامع‌تر ژرف‌تر می‌شود و در فرایندی پیوسته و خود جوش اصل‌های حاکم بر داستان، در معنای کلی، راکشف می‌کند و بر توان معناسازی او نیز افزوده می‌شود (خسرونژاد، 1390: 25). داستان‌های فلسفی مسائل را به گونه‌ای مطرح می‌کنند که کودکان به طور طبیعی به سوی گفتگوهای با نشاط هدایت می‌شوند. و در نهایت موجب شکل‌گیری تفکر فلسفی در این کودکان می‌شود.

در پژوهش حاضر محقق کودکان پایه ششم ناحیه یک شهر شیراز را در نظر گرفته بود و بنابراین محدودیت‌های از نظر پایه تحصیلی (پایه ششم) منطقه پژوهش (ناحیه یک) تعداد آزمودنیها (60) و لحاظ شده است. بررسی تداوم تأثیر این روش در مطالعه حاضر ممکن نشد و لذا مشخص نبودن روند تداوم تأثیر مداخله به دست آمده از محدودیتهایی است که میتوان برای پژوهش حاضر ذکر نمود. متون داستانی بر پایه‌ی مطالعات عمیق فلسفی و تغییر آن‌ها به تناسب سن و جنس کودکان و بر مبنای پیش فرض‌های جامعه‌ی اسلامی، آداب و رسوم قومی و محلی، زبان و ادبیات فارسی، در جهت‌گیری‌ای به دور از نسبیت‌گرایی و شکاکیت، نبود. مقیاس تفکر در فرهنگ دیگر ساخته شده بود و مقیاسی که متناسب با شرایط اجتماعی و فرهنگ ایرانی - اسلامی جامعه ما باشد، جهت اندازه‌گیری سطح تفکر دانش‌آموزان یافت نشد. همچنین پیشنهاد می‌گردد که از داستان‌هایی متناسب با فرهنگ ایرانی و اسلامی می‌توان بهره‌جست به عنوان مثال بهره‌گیری از کتاب‌های همچون کلیله و دمنه، داستان راستان، گلستان سعدی، مثنوی مولوی و... که حاوی مفاهیم عمیق فلسفی، اجتماعی و تربیتی هستند می‌توانند در برنامه درسی فلسفه مورد استفاده قرار گیرند. تهمیداتی در برنامه آموزش ضمن خدمت معلمان صورت گیرد که با تغییر دادن نگرش آنان، تعهد و انعطاف‌پذیری لازم برای اجرای روش‌های تدریس مناسب از جمله اجتماع پژوهی در کلاس فراهم شود. فعالیت‌های متعددی از جمله ایفای نقش، پانتومیم/ نمایش صامت، آواز سرود، حرکات موزون، نقاشی و دیگر صورت‌های برقراری ارتباط فلسفه را طراحی شود. و پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی تأثیرات این گونه آموزش‌ها در درازمدت نیز بررسی شود و آزمون پیگیری نیز انجام گیرد.

منابع :

- اسکندری، حسین و کیانی، ژاله. (1386). تأثیر داستان بر افزایش مهارت فلسفه‌ورزی و پرسشگری دانش‌آموزان. فصل‌نامه مطالعات درسی. 7.
- خسرونژاد، مرتضی. (1384). تمرکززدایی در ادبیات کودک هم‌هدف است و هم روش. کتاب ماه کودک و نوجوان، 90.
- خسرونژاد، مرتضی. (1390). چگونه توانایی اندیشیدن فلسفی کودکان را پرورش دهیم. چاپ اول. مشهد: انتشارات به نشر.
- رشتچی، مژگان. (1389). ادبیات داستانی کودکان و نقش آن در رشد تفکر. مجله تفکر و کودک. 2.
- زارع، زهرا. (1390). مقایسه تأثیر داستان‌های فلسفی ایرانی، غیرایرانی و عادی بر رشد تفکر فلسفی کودکان پایه اول ابتدایی شهر شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارسنجان.

- سهرابی، راضیه. (1392). مقایسه ی افسانه های ایرانی کتاب های داستانی تصویری ایرانی و کتاب های داستانی تصویری خارجی بر مبنای مولفه های تفکر فلسفی. مجله علمی پژوهشی مطالعات ادبیات کودک، 7، 91-112.
- شاو، ران. (1390). کلاس آموزش فلسفه بهبود مهارت های تفکر و انگیزه ی یادگیری. ترجمه کاظمی ا. میرزایی تشنیزی پ. هفت برادران د. چاپ اول. تهران: انتشارات ابوعطا.
- عبدالله پور بنه خلخال، رویا. (1393). بررسی تاثیر آموزش فلسفه بر ارتقای مهارتهای پرسشگری و تفکر انتقادی دانش آموزان دختر پایه پنجم. پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه آزاد تاکستان.
- فیشر رابرت. (1391). آموزش تفکر به کودکان. ترجمه صفایی مقدم م. نجاریان ا. چاپ پنجم. اهواز: نشر رسش.
- فیشر رابرت. (1388). آموزش و تفکر. ترجمه ی کیانزاده ف. اهواز: نشر رسش.
- قائدشرف ل. (1392). تحلیل محتوای کتاب هدیه های آسمانی پایه سوم ابتدایی چاپ 92-93 و مقایسه آن با کتاب چاپ 91-92 بر اساس معیارهای برنامه درسی فلسفه برای کودکان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی، دانشگاه ارسنجان.
- قائدی یحیی. (1384). شهروندان کوچک: فلسفه برای کودکان، شهروندی و دموکراسی. خردنامه ی همشهری، 54: 14-15.
- کم، فیلیپ. (1379). داستان های فکری جلد اول: کندوکاو فلسفی برای کودکان. ترجمه باقری ا. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کم، فیلیپ (1386). داستان های فکری جلد دوم. ترجمه باقری ز. چاپ اول. تهران: انتشارات علم.
- کم، فیلیپ (1385). داستان های فکری جلد سوم: کندو کاوهای فلسفی برای کودکان. ترجمه شهرتاش ف. ابراهیمی لویه ن. تهران: انتشارات شهرتاش.
- کم، فیلیپ (1389). با هم فکر کردن: کندوکاوهای فلسفی برای کلاس. ترجمه ی فرزانه شهرتاش و مژگان رشتچی. تهران: انتشارات شهرتاش.
- مرعشی، م. (1385). بررسی تاثیر روش اجتماع پژوهشی برنامه فلسفه برای کودکان بر مهارت های استدلال دانش آموزان پسر پایه سوم راهنمایی مدرسه نمونه دولتی اهواز. پایان نامه دوره دکتری. دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه اهواز.
- مرعشی، م. (1388). پویایی اجتماع پژوهشی در برنامه آموزش فلسفه به کودکان. مجله علمی پژوهشی فرهنگ، 69.
- مسعودیان، زهرا. (1393). بررسی تاثیر قصه های فلسفی بر هوش منطقی ریاضی و بصری فضایی کودکان پیش دبستانی ناحیه یک شهر شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی، دانشگاه ارسنجان.

- ناجی، سعیدو قاضی نژاد پ. (1386). بررسی نتایج برنامه فلسفی برای کودکان روی مهارت های استدلالی عملکرد رفتاری کودکان. فصل نامه مطالعات برنامه درسی. 7.
- ناجی، سعید. (1386). کندوکاو فلسفی برای کودکان و نوجوانان (گفتگو با پیشگامان). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- یوسف زاده، محمد رضا. (1390). تاثیر روش تدریس کاوشگری بر پرورش مهارت های تفکر فلسفی دانش آموزان پایه ی پنجم ابتدایی در درس علوم تجربی. فصلنامه دانشگاه شاهد. 1. 40-52.
- Costa A.(2006). Five themes in a thought- full curricuium thinking skills and coreativity. *Journal of Thinking Skill and Creativity*, Vol.1. No. 1.
- Fisher R. (2003). *Teaching children to think (2nd edn)*, Cheltenham , London : Nelson Thornes.
- Hymer B. (2002). *Final Report of the Research in IAPC*. Montclair state university.
- Reznitskaya A. (2008). *Philosophical Discussionsin Elementary School Classrooms: Theory*, Pedagogy, Research, Montelair state.university newjersey. USA.
- Richard S. (2007). "The last word". [An Interview With Artur L. Costa]. *Journal of Advance Academic*, Vol.18.No. 2.

Abstract

The purpose of this study was taking into account the effect of teaching philosophy for children of philosophical thinking to students of sixth grade of elementary school in district 1 of Shiraz and presenting an appropriate lesson plan to prepare them for teaching philosophical thinking. The sample consisted of 60 girls studying in the sixth grade of elementary school in district 1 of Shiraz and they were selected through multistage random cluster sampling. Quasi-experimental design was assigned along with control group, experimental group, and pre test - post test design. Philip Cam philosophical thinking questionnaire consisting of 18 items was administered to collect data. The reliability of the questionnaire determined by Cronbach alpha was 0.73 and experts confirmed its validity. According to the research results and by means of univariate and multivariate analysis of variance teaching philosophical children stories had a meaningful effect on students' philosophical thinking in the sixth grade of elementary school.

Key words: teaching philosophy for children, philosophical thinking, students of sixth grade

اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان در رشد تفکر فلسفی دانش آموزان پایه ششم

چکیده

هدف پژوهش حاضر، اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان در رشد تفکر فلسفی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی ناحیه یک شیراز بود. نمونه این پژوهش شامل 60 دانش آموز دختر پایه ششم ابتدایی شهر شیراز بود که به روش نمونه گیری خوشه ای تصادفی چند مرحله ای از میان دانش آموزان پایه ششم ابتدایی انتخاب شدند. روش تحقیق شبه آزمایشی با گروه کنترل و آزمایش و طرح پیش آزمون، پس آزمون بود. ابزار جمع آوری داده ها شامل، پرسشنامه تفکر فلسفی فلیپ کم بود که از 18 سوال تشکیل شده بود. پایایی پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ 0/73، و روایی آن نیز از منظر متخصصین به تایید رسید. نتایج حاصل از این پژوهش با استفاده از تحلیل کواریانس چند متغیره و تک متغیره نشان داد که آموزش فلسفه به کودکان بر تفکر فلسفی و مولفه های آن در دانش آموزان پایه ششم تاثیر معنادار داشت.

کلید واژه ها: فلسفه به کودکان، تفکر فلسفی، دانش آموزان پایه ششم